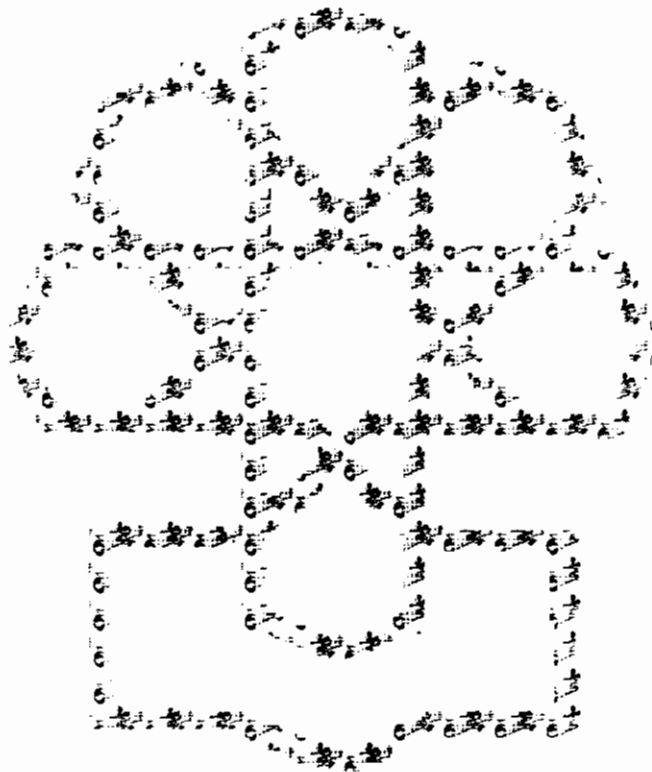




۳۴۱۲  
۸

# تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای جهان سوم

با تأکید بر کشورهای ترکیه، پاکستان و الجزایر



معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۷۷

کار: دفتر مطالعات سیاسی - اجتماعی

این گزارش بنا به تقاضای جناب آقای سیدرضا

اکرمی تهیه و تنظیم گردیده است.

کد گزارش: ۱۴۰۳۴۱۲

بسمه تعالی

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای جهان سوم  
با تأکید بر کشورهای ترکیه، پاکستان و الجزایر

کد گزارش: ۱۴۰۳۴۱۲

### فهرست مطالب

مقدمه	۲
۱- زمینه‌های مساعد تأثیرپذیری در کشورهای مختلف	۳
۲- تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای ترکیه، الجزایر و پاکستان	۷
الف- ترکیه	۷
ب- الجزایر	۱۰
ج- پاکستان	۱۲
۳- کتاب‌شناسی، تأثیرات انقلاب اسلامی	۱۴
منابع و مأخذ	۱۷

در مبحث اثرات انقلاب اسلامی بر کشورهای جهان سوم لازم است به نکاتی چند اشاره شود. اصطلاح جهان سوم در زمان جنگ سرد و در نظام دو قطبی کاربرد داشت، اما اکنون با فروپاشی قطب شرق و گذر از آن مرحله و ورود به یک مرحله نوین از نظام بین‌الملل، بعضی از مفاهیم و اصطلاحات گذشته کاربرد خود را از دست داده‌اند (از جمله اصطلاح جهان سوم) و کشورهای مورد نظر وارد مرحله جدیدی شده‌اند. امروزه کشورهایی که در گذشته در گروه کشورهای جهان سوم قرار می‌گرفتند به مرحله‌ای از رشد و توسعه نائل شده‌اند که عنوان «در حال توسعه» به آنها اطلاق می‌گردد. از سویی هم باید به این نکته التفات داشت که اثرات انقلاب اسلامی نه تنها در کشورهای توسعه نیافته بلکه در کشورهای در حال توسعه و مترقی نیز متجلی گردیده است. لذا این تأثیر در برگیرنده کشورهای غیرمسلمان نیز می‌شود (اگر چه بیشترین تأثیر را در کشورهای مسلمانی که از بستر مناسب دینی برخوردار بودند، گذاشته است) زیرا انقلاب اسلامی با داشتن ماهیتی اسلامی، مروج آزادی، عدالت و عدم تبعیض است، به همین دلیل است که انقلاب اسلامی به سیر تاریخی مبارزات علیه بی‌عدالتی و تبعیض، انگیزه‌ای تازه بخشید و چهره‌های متنوع سلطه را به ملت‌های مشتاق حقیقت نشان داد.

مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر جوامع غیراسلامی تحکیم باورهای اندک موجود به این مسئله است که دور ماندن جامعه از دین، رواج فساد و بی‌عدالتی را در پی خواهد داشت لذا عده‌ای تنها راه نجات جامعه خود تمسک به باورهای دینی می‌دانند.

اندیشه دفاع از مستضعفان، حمایت از آزادی و استقلال ملت‌ها در قبال قدرت‌های زورگو، جملگی عناصری هستند که موجب جذب وجدان‌های بیدار در سراسر جهان شد. پیروزی انقلاب اسلامی از سوی بسیاری تحلیل‌گران به عنوان یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ معاصر تلقی شده است، به لحاظ ایجاد خیزش و انگیزه‌ای که به طور کلی در میان ملل تحت ستم در سراسر جهان و به طور اخص در میان ملت‌های مسلمان به وجود آورد. این انقلاب حتی ملت‌های مسلمان را بدون در نظر گرفتن ملیت، نژاد و زبان آنان، به حرکت تاریخی جهت اعاده به خویشتن خویش فراخواند و درس عدم بندگی در مقابل اغیار را به آنان آموخت.

انقلاب اسلامی گشاینده تفکری جدید برای رهایی ملت‌های مسلمان از قید و بندهای حکومت‌های ظالم شد و راهی نوین را به ملل جهان نشان داد و ثابت کرد که برای نیل به آزادیخواهی هیچ قدرتی نیرومندتر از نیروی عقیده و باورهای دینی نمی‌باشد. انقلاب اسلامی از آن جهت یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های این قرن محسوب می‌شود که نه فقط براساس نتایج بلندمدتی که برای جهان اسلام داشته است بلکه براساس دستاوردهایی - ولو اندک - که برای سراسر جهان به ارمغان آورده، ارزیابی شده است.

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ موجب تشکیل و استقرار حکومت اسلامی در ایران گردید. پیروزی انقلاب ایران حادثه‌ای مهم در تاریخ خاورمیانه و جهان اسلام است که انعکاسی فراتر از مرزهایش در منطقه و جهان داشته است و موجب برانگیختگی و تشجیع گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی در سراسر دنیا و موجد امیدواری‌های زیادی برای انقلابیون و فعالان اسلامی در جهان اسلام گردید و به قول برخی از صاحب‌نظران بدون انقلاب ایران، اصلگرایی حتی به عنوان تعبیر جامع و مانعی برای فعالان اسلامی ضدتجدد وجود نمی‌داشت و گروه‌های مخالف مسلمان در مصر و پاکستان به تندروها و مبارزان مسلمان

مشهور بودند تا اصلگراها و تنها پس از آن [انقلاب ایران] است که مبارزان اسلام طناب اصلگرا خوانده شدند.<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی ایران صرف‌نظر از همانندی‌ها و اختلافاتش با جنبش‌های اسلامی مانند تفاوت‌های مذهبی (شیعه و سنی) دلایلی قوی برای تأثیرگذاری در فعالیت جنبش‌های اسلامی یا حتی جنبش‌های آزادی‌بخش غیر مذهبی مبارز داشت. پیروزی انقلاب اسلامی، پیروزی دیدگاه و تبلیغ آرزویی بود که در اثر مبارزه خونین منتهی به واقعیت تبدیل شده بود. رهایی از قید سلطه و استعمار غرب و در این قرن اخیر ایالات متحده آمریکا و نیز براندازی رژیم دیکتاتوری دست‌نشانده که در عین ناتوانی از حل معضلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دست‌غربی‌ها را نیز برای چپاول کشور باز گذارده بود. مسئله غرب در ایران و همچنین دیگر کشورهای اسلامی در دو جنبه درک می‌شود.

۱- جنبه و وجه فکری و فرهنگی: یعنی از بعد تأثیراتی که بر روی تفکر و فرهنگ گذاشته و طیفی از روشنفکران با تمایلات غرب‌گرایانه پرورانیده است.

۲- وجه استعماری که غالباً در بهره‌وری از منابع اقتصادی و نفوذ سیاسی و وابستگی هیئت حاکمه جلوه می‌نماید، بنابراین مسئله غرب به طور ازگانیکی همه مسائل و مشکلات این جوامع را به هم پیوند می‌دهد، استقلال، عقب‌ماندگی، دمکراسی و... انقلاب ایران موجب سقوط رژیمی قدرتمند که هم تمایلات غربی داشته و هم دست‌نشانده آمریکا بوده گردید و سقوط رژیم طی مبارزه‌ای مردمی به مدد آموزه‌های اسلامی میسر شد که سبب حاکمیت روحانیان و برپایی حکومت اسلامی گردید. این هر دو وجه انقلاب در نویدبخشی مسلمانان و مبارزان انقلابی جهان بسیار مؤثر بود و سهم به‌سزایی در اعاده اعتبار اسلام و غرور مسلمانان در مقابل غرب داشت. «پیروزی انقلاب ایران برابر بود با پیروزی اسلام و نشان از توان بالقوه اسلام در رهبری مستضعفان و ستم‌دیدگان علیه نفوذ خارجی و حکومت فاسدشان داشت، بنابراین نباید انقلاب ایران را با انقلاب‌های آمریکا، فرانسه، شوروی قیاس کرد، بلکه آن را باید با پیروزی ژاپن بر روسیه در اوایل قرن بیستم هم‌شان دانست، هر دوی این جنبش‌ها، این امیدواری را برای مردم مشرق‌زمین که باید بر قدرت‌های غربی غلبه کرد، حفظ نمود. انقلاب چیزی بیشتر از آن را نیز انجام داد و توانایی ایدئولوژی اسلامی را رهبری مبارزه علیه کفر اثبات نمود»<sup>۳</sup>.

### ۱- زمینه‌های مساعد تأثیرپذیری در کشورهای مختلف

برای رهبران حکومت اسلامی ایران نیز انقلاب اسلامی صرفاً یک نام نبود، بلکه هدفی درازمدت بود که پس از تحقق آن در ایران خود را متعهد به تحقق آن در سراسر جهان اسلامی می‌دانستند و این خود دلیل دیگری برای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران است. سیاست ایران مبنی بر صدور انقلاب دو ابزار مهم داشت یکی تبلیغات که بدین منظور سازمان‌ها و دوایر مختلفی مانند سازمان تبلیغات اسلامی و... غیره تشکیل شدند و وظیفه صدور فرهنگ اسلامی را با نشر کتاب و جزوات به زبان‌های مختلف، برعهده داشتند و آن دیگری

1. Bruce Lawrence, *Fundamentalism: Defenders of God*, London, I.B Tauris, 1990, P.231.

۲. نرجس خاتون براهویی، اصول‌گرایی اسلامی ایرانی و تأثیرات منطقه‌ای آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۷۳، صص ۱۸۹-۱۹۰.

3. David Menashri, *Khomeinis Vision, The Iranian Revolution and the Muslim World*, San Francisco Press, 1989, P.540 P.540.

حمایت‌های مادی ایران از جنبش‌های اسلامی برای مثال در عراق، لبنان و فلسطین بود.

در چند سال اول پس از انقلاب، جنبه الهام بخش انقلاب ایران چندان قوی بود که در میان فعالان سیاسی مختلف و حتی غیراسلامی واکنشی مثبت را برانگیخت. چندان که این گروه‌ها با نایده انگاشتن تفاوت‌ها و اختلاف‌ها سعی در پررنگ کردن همسانی‌ها و در واقع اهداف و دستاوردهای انقلاب داشتند و به همین دلیل انقلاب طیف وسیعی از هوادارانی‌های مبارز اسلامی (میان‌رو... رادیکال) و سنی مذهب و حتی چپ‌گراها را به واسطه مضامین ضد امپریالیستی اش به خود جلب نمود. یکی از جالب‌ترین این موارد، رفتار اخوان المسلمین مصر بود. برای «اخوان» وضعیت ایران تحت حاکمیت شاه و سپس انقلاب می‌توانست اشاره و مبنای مناسبی برای حمله به اوضاع داخلی مصر باشد که «اخوان» تحت فشار سانسور و اختناق نمی‌توانست به صراحت بدان اشاره کند، روزنامه الادعوه نوشت «بسیاری از کشورها از ایران می‌ترسند، زیرا در آن جا نیز مانند ایران استبداد حاکم است».<sup>۱</sup> یسار اسلامی انقلاب را بخشی از مبارزه کلی جهان سومی‌ها برای حصول آزادی و رهایی از اختناق می‌دانست که موتور آن مردم بودند و اسلام صرفاً نقش ایدئولوژی مردمی را ایفا کرد.<sup>۲</sup>

اخوان المسلمین حتی در زمانی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در مجله الدعوه به بحث گذاشتند سعی کردند اشارات صریح به شیعی‌گرایی و امام‌غایب را نادیده بگیرند و در عوض بر این مسئله که اسلام دین رسمی کشور اعلام گردیده، تأکید کرده و نتیجه گرفتند که عبارت مکتب شیعه دوازده امامی «مانعی برای حقوق سایر فرقه‌ها ایجاد نمی‌کند و بدین ترتیب برای یک نفر سنی نیز این امکان باقی است که مقام ریاست جمهوری را تصرف کند».<sup>۳</sup>

مبارزان مسلمان که در اثر انقلاب ایران برانگیخته شدند در سال ۱۹۸۱، انور سادات دوست و متفق شاه ایران را ترور کردند و شاخه الجهاد در اسبوط کنترل شهر را به دست گرفتند، فعالیت همه جانبه گروه‌های اسلامی منجر بدان شد که حسنی مبارک رئیس جمهور مصر با برقراری حکومت نظامی، دادگاه‌های ویژه و پاکسازی‌های گسترده امنیتی و کشتار و شکنجه نیروهای مسلمان، سعی در کنترل اوضاع و سرکوب جنبش اسلامی و نیز قیام‌های دانشجویی که ایران را الگوی خود قرار داده بودند، نماید.<sup>۴</sup>

برای مبارزان فلسطینی شاید بیشتر از سایر مبارزان اسلامی، انقلاب ایران نویدبخش بود چه مسئله آزادسازی قدس و فلسطین شعار انقلاب اسلامی بود و از طرفی جنبش الجهاد اسلامی که در نوار غزه فعالیت می‌کرد، مستقیماً عناصر ایدئولوژی شیعی ایران را دریافته و اتخاذ کرده بودند. رهبر این جنبش دکتر فتحی عبدالعزیز شقاقی که در مصر تحصیل کرده بود، عمیقاً تحت تأثیر امام خمینی لره بود، وی معتقد بود که مسئله فلسطین مسئله‌ای کاملاً اسلامی است و باید به وسیله جهاد اللفظی و نظامی احل شود. وی نقش زیادی در ترجمه و انتقال آموزه‌های انقلابی امام خمینی لره و مضامین رادیکال شیعه در فلسطین داشته است. آنها اظهار می‌کردند که «انقلاب ایران فلسطین و موجودیت اسلامی آن را احیا کرد. اهمیت استراتژی فلسطین به این دلیل است که در قلب این کشور پیکره اسلامی و روح اسلام واقع شده است، همچنین این

۱. براهوی، پیشین، ص ۱۹۳.

2. Rudi Mattee, *the Egyptian Opposition on the Iranian Revolution, Shiism and Social Protest*, London. Yale University Press. P.256.

۳. براهوی، پیشین، ص ۱۹۴.

4. Jhon Esposito, *Lessons from Iran, Islamic transition: Muslims Perspectives*, (NewYork & Oxford university Press. 1982. P. 246.

انقلاب ایران بود که آنها را به دوره جدیدی راهبری کرده است. دوره‌ای که باید به مسئله فلسطین از زاویه مناسب‌نگریسته شود، از زاویه اسلام.<sup>۱</sup> در همان سال‌ها جنبش‌های انجمع اسلامی و جهاد اسلامی و طلیعه الاسلامیه انتفاضه و چندین تشکل دیگر اسلامی تشکیل گردید و با سازماندهی نیروهای مردمی حرکت مستمر و یکپارچه‌ای را علیه صهیونیست‌ها آغاز کردند.<sup>۲</sup>

از مجموع ۷۵۰ میلیون نفر مسلمانان جهان ۱۱ درصد آن شیعی مذهبند که بیشترین تعدادشان درحوزه خلیج فارس زندگی می‌کنند و در بحرین، عراق و ایران دارای اکثریت و در کویت، عربستان، قطر و امارات در اقلیتند. برای شیعیان دلایل زیادی وجود دارد که انقلاب ایران را کعبه‌آمال خود ببینند و با آن همراهی داشته باشند. به طور کلی بسیاری از شیعیان چه در کشورهای که حائز اکثریتند و چه آنهایی که در اقلیتند تحت حاکمیت غیر شیعیان و بعضاً حکومت‌های غیر دینی به سر می‌برند و از طرف دیگر، عموماً از اوضاع اقتصادی و سیاسی و رفتار تبعیض‌آمیز دولت‌های حاکم شاکی و ناراضینند، شیعه عربستان، لبنان و عراق نمونه بارز طبقات محروم و مهاجر جامعه‌اند، چنین محرومیت‌هایی به همراه عناصر قوی که در ایدئولوژی شیعه وجود دارد و در انقلاب پرورانیده و قدرت آن نیز به اثبات رسید. به شیعه مذهبان بیشتر از سنیان امکان طغیان و قیام علیه وضعیت موجود را می‌دهد، در واقع شیعیان بیشتر از سنیان حکومت‌های خود را نامشروع می‌دانند. زیرا شیعه خود اساساً جنبشی اعتراضی است (اعتراض به زیر پا گذاشتن حق حضرت علی (ع) برای خلافت مسلمین) به همین دلیل علمای شیعه اگرچه همواره نتوانستند به استناد عناصر رادیکال شیعه قیام کنند هرگز نیز همراه و تابع حکومت‌ها نبودند.

یکی از تبعات انقلاب اسلامی ایران برای کشورهای که با سیستم امنیتی و پلیسی به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهند، متزلزل ساختن پایه‌های قدرت سران این کشورهاست و مهم‌ترین چالشی که در این راستا با آن روبه‌رو شدند بحران مشروعیت بود.<sup>۳</sup> به ناچار آنان برای استمرار بقای خود دست به اقدامات شدید امنیتی و سرکوب نیروهای مخالف در داخل و خارج از کشور زدند. شیعیان عربستان که عمدتاً در منطقه طهران زندگی می‌کنند به دلیل عقب‌ماندگی و محرومیت‌آبادانی و رفاه، بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند. مشارکت سیاسی شیعیان به دلیل داشتن افکار نوگرایانه در حیات سیاسی این کشور نیز بسیار محدود است. پس از انقلاب اسلامی، جرقه حرکت‌های مردمی نیز از همین منطقه آغاز شد و مخالفت با خاندان آل سعود را علنی ساختند. مهم‌ترین اقدام نهضت اسلامی این کشور، تصرف مسجدالحرام در سال ۱۹۷۹ بود که با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه شد. این حرکت مسلمانان باعث شد تا شیعیان نیز در منطقه طهران علناً مراسم عزاداری مناسبت‌های مختلف را به جای آورند و ادامه آن شورش‌هایی در شهرهای قطیف، صفر، اباقیق، خجفی و شهامت بود.<sup>۴</sup>

علی‌رغم وجود سیستم پلیسی مخفی در این کشور، فعالیت‌های مخفیانه همچنان ادامه دارد. به‌عنوان مثال انفجار مقر نیروهای امریکایی در «ظهران»، نشان‌دهنده ادامه حرکت نهضت اسلامی عربستان است. رژیم سعودی برای ادامه بقای خود علاوه بر تمسک به حربه نیروهای پلیس و کنترل شدید افراد و رسانه‌های

1. Elie Rekhess, *The Iranian Impact on the Islamic Jihad Movement in the Gaza Strip, the Iranian Revolution and the Muslim World*, Sanfrancisco, Westview Press, 1990, P.193.

۲. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید: جمینه کدبوز، پست پرده صلح (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴).

۳. جوزف کاسینز، ناآرامی شیعیان در خلیج فارس، (تهران: پیشگام، ۱۳۶۸)، ص ۲۴۵.

۴. برای مطالعه تکمیلی به منبع زیر رجوع شود:

Jacob Goldberg, "Saudi Arabia and the Iranian Revolution", and *Muslim World*, sanfrancisco Press, 1990.

گروهی داخلی و افراد معارض در خارج از کشور، از ابزار تطمیع نیز برای فرونشاندن اعتراضات مردمی استفاده می‌نماید. همچنین در سال‌های اخیر با انجام اصلاحاتی در کادر حکومتی و ایجاد نهادهای فرمایشی مانند مجلس شورا توانسته است تا حدودی از افزایش اعتراضات تحصیل کردگان و روشنفکران جامعه خود بکاهد اما همچنان در عرصه‌های فرهنگی از سوی منتقدان داخلی و خارجی با مشکل مواجه است.

با آن که سابقه مبارزات اسلامی در عراق لااقل به سال ۱۹۵۸ میلادی باز می‌گردد<sup>۱</sup> اما مبارزات شیعه پس از وقوع انقلاب ایران و پس از بازگشت امام خمینی (ره) به ایران با تظاهراتی در نجف جان تازه‌ای گرفت و به شورش‌هایی تا سال ۱۹۸۲ میلادی منجر شد که بنا بر تخمین سازمان عفو بین‌الملل از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰، حداقل ۵۲۰ نفر به جرم حمایت از مبارزان اسلامی اعدام شدند.<sup>۲</sup>

شیعیان عراق اگرچه اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند اما تاکنون نتوانسته‌اند نقش برجسته خود را در صحنه سیاسی این کشور ایفا نمایند و تا به امروز نیز از لحاظ سیاسی منزوی مانده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تأثیر عمیقی را بر این قشر از مردم عراق برجای گذاشت و به تدریج سازمان‌های مخالف و اسلامی شکل گرفتند و تهدیدی مهم برای بقای رژیم عراق شد. آیت‌الله صدر که برخی او را تئوریسین انقلاب ایران نیز می‌دانند و نظریات‌شان شباهت زیادی با دیدگاه‌های امام خمینی دارد، رهبری قیام مردم عراق را بر عهده داشت. آیت‌الله صدر از حامیان انقلاب اسلامی ایران بود و مردم کشور خود را به سرنگونی دولت صدام ترغیب می‌کرد. در دهه هشتاد و با بروز جنگ عراق علیه ایران، بخشی از فعالیت‌های مبارزان اسلامی<sup>۳</sup> عراق، به ایران و سوریه و لندن منتقل گردید. در طول جنگ نیز نیروهای مردمی به مبارزات خود ادامه می‌دادند اما با سرکوب شدید نیروهای دولتی مواجه می‌شدند. اوج این مخالفت‌ها و اعتراضات مردمی بعد از اشغال کویت توسط عراق و حمله نیروهای متفقین به بغداد شروع شد و تحركات وسیعی از سوی نیروهای اسلامی و بافراخوانی مردم به مبارزه علیه صدام صورت گرفت ولی به دلیل فقدان رهبری واحد و از طرفی نیز عدم تمایل ایالات متحده به سقوط صدام و در اختیار گرفتن قدرت توسط شیعیان<sup>۴</sup> این بار نیز با سرکوب شدید از سوی نیروهای صدام مواجه شد و به شکست گرایید، اما حرکت همچنان در داخل و خارج از این کشور ادامه دارد.<sup>۵</sup>

جامعه مسلمانان شیعه لبنان تا جنگ جهانی دوم، عنصر پویایی در حرکت‌های سیاسی آن کشور به شمار نمی‌رفت ولی رفته رفته پس از ختم جنگ دوم به صورت نیرویی سیاسی در آمد و با آغاز تحولات اجتماعی - سیاسی دهه ۱۹۵۰ میلادی، در دهه شصت مهاجرت گسترده‌ای توسط شیعیان لبنان از مناطق روستایی به بیروت شکل گرفت و شیعیان به صورت طبقه متوسط شهری تشکیلاتی را با استعانت از مذهب و به رهبری امام موسی صدر شکل دادند و در نهایت از درون تشکل «حرکت المحرومین»، جنبش «امل»

۱. به عنوان مثال امام موسی صدر در مبارزه با سکولاریزم حاکم بر غرب که با کودتای عبدالکریم قاسم آثار آن در عراق نیز قابل رؤیت بود، در سال ۱۹۵۹ میلادی کتابی تحت عنوان «فلسفون» (فلسفه ما) در ضدیت با اندیشه‌های کمونیستی حاکم بر رژیم عراق منتشر ساخت و در سال ۱۹۶۱ میلادی کتاب دیگری تحت عنوان اقتصادون (اقتصاد ما) در بیروت منتشر کرد که در آن در عین مخالفت با مارکسیسم با اندیشه کاپیتالیستی غرب نیز به مبارزه برخاست. برای آگاهی از اندیشه‌های امام موسی صدر رجوع کنید به:

Amazia Baram, "The Impact of Khomeini's Revolution on the Radical Shii Movement of Iraq", in the Iranian Revolution and The Muslim World, P. 131.

2. Amnesty International News Release. London, 10 March and 12 June 1980.

۳. برای آشنایی با نهضت اسلامی شیعیان عراق مراجعه شود به:

- جویری ان. ویلی، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴).

۴. همان.

۵. همان.

ظاهر شد. به دنبال حمله رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۷۸- که مقارن با انقلاب اسلامی ایران بود- جان تازه‌ای در کالبد جنبش‌های اسلامی دمیده شد و متعاقباً جنبش حزب ... و مساجد به صورت پایگاه‌های مقاومت ضد صهیونیستی ظاهر شدند. لبنان به دلایل مختلف مناسب‌ترین محل برای پذیرش اندیشه‌های انقلابی اسلام بود. بیش از هر چیز این امر ناشی از سال‌ها اقدامات روشنگرانه اساسی امام موسی صدر در این منطقه و در بین شیعیان بود. از طرف دیگر اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل این کشور را به صورت مناسب‌ترین محل رشد افکار انقلابی اسلامی درآورد. انقلاب ایران به عنوان یک الگوی مهم، به شیعیان نشان داد که یک نهضت اسلامی خالص و کاملاً سازمان یافته و دارای انگیزه می‌تواند دستاورد عظیمی در مقابله با ستمگری و بی‌عدالتی داشته باشد. حزب ... لبنان نیز به عنوان یک جنبش مخالف سیاسی و اجتماعی و به دنبال شکست دولت لبنان از اسرائیل و تحت تأثیر آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران - که در میان شیعیان لبنان پدید آورده بود - رشد یافت و به عنوان یک نیروی سیاسی نظامی در عرصه قدرت این کشور مطرح شد. تأسیس این جنبش یکی از عینی‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی در لبنان می‌باشد. آنچه که برای غرب نگران‌کننده و هشداردهنده بود، خصومت اسلام‌گرایان با سلطه قدرت‌های بزرگ و اراده آنها جهت تغییر احساسات ضد اسرائیلی آنهاست. انفجار مقر تفنگداران دریای امریکا در سال ۱۹۸۳ به عنوان بدترین حادثه پس از جنگ ویتنام برای نظامیان امریکایی محسوب می‌شود. پس از آن انجام ده‌ها عملیات جهادی علیه اسرائیلی‌ها روحیه مقاومت و مبارزه را در لبنان تشدید کرد و به عنوان یک نیروی عمده که موجودیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد، مطرح شد.<sup>۳</sup>

مسئله مهمی که در تبیین و بررسی بازتاب انقلاب اسلامی باید در نظر داشت «رفتار و رویکرد جمهوری اسلامی ایران» است که خود به گونه‌ای باعث تغییر ایستارها و واکنش‌های گروه‌ها و کشورهای دیگر هم می‌گردد. در واقع کشورها در عرصه بین‌المللی در خلا عمل نمی‌کنند و عمل بازیگران و واکنش بازیگران دیگر محیط بین‌المللی را باعث می‌شود. به همین علت بازتاب انقلاب اسلامی را باید طی دو دهه پس از استقرار حکومت اسلامی بررسی نموده دهه اول دهه پیروزی و استقرار حکومت اسلامی، در اولویت بودن سیاست صدور انقلاب، دهه دوم سازندگی که اولویت‌ها برای جمهوری اسلامی جابه‌جا شدند و برخی اهداف موقتاً کنار گذاشته شدند. با عنایت به این نکات بازتاب انقلاب اسلامی را به طور نمونه و موردی در کشورهای ترکیه و الجزایر و پاکستان بررسی می‌نماییم.

۱. برای مطالعه تکمیلی در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر لبنان مراجعه کنید به:

A- Shi'ism - and Fouad Ajami, *The Vanished Imam; Musa-Al Sadr and the Shia of Lebanon*. (Ithaca, New York: Cornell University Press). B- Juan R. Cole and Nikki R. Keddie, *Shi'ism and Social Protest*. (New Haven, Yale university Press 1986).

2. Martin Kramer, "Redeeming Jerusalem: the Pan-Islamic Premise of Hizbollah", in *The Iranian Revolution and The Muslim World*, P. 105.

۳. برای مطالعه تکمیلی درباره تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای مالزی، سودان و برخی دیگر از کشورهای آسیایی و آفریقایی به منابع زیر رجوع شود:

A- Chandra Muzaffar, *Islamic Resurgence in Malaysia*, (Penerbit: Fajraksi. 1990).

B- Judith Nagata, *The Reflowering of Malaysian Islam*. (Vancouver, University of British Columbia Press, 1984).

C- Fred, Von der Mehden, *Religion and Modernization in Southeast Asia*. (NY: Syracuse University Press, 1986).

D- *Islam and Stateness in the Modern Sudan*. (Montreal: McGill University Center for Developing Area Studies, 1983).

E- Shirin Akiner, *Islamic Peoples of the Soviet Union*. (New York: Paul Nethuen, 1986).

F- Alexandre Benningson, *Threat to the Soviet State*. (New York: St. Martins Press Inc, 1983).

G- Wimbush S. Enders, *Muslim National Communism in the Soviet Union*: (University of Chicago Press, 1985).

H- Shaikat, Burkhanor, *Soviet Power and Islam*. (Moscow: Novosti Press Agency Publishing House, 1984).

I- Martha Olcott, *The Kazakhs*. (Stanford: Hoover Institution Press, 1987).

ترکیه به مانند بسیاری دیگر از کشورهای اسلامی روند سکولاریزاسیون را در دوره حاکمیت «آتاتورک» تجربه کرده و در واقع اولین کشور اسلامی بود که قدم در این راه نهاد و بنابراین سابقه و قدمت این روند در ترکیه بیش از سایر کشورهای اسلامی است و شاید به علت همین دیرینگی قدمت است که برخی از صاحب نظران معتقدند که اسلام خواهی و اسلام گرایی در ترکیه نمی تواند خطرناک باشد زیرا روند سکولاریزاسیون در ترکیه بیش از کشورهای دیگر اسلامی در زندگی مردم، رسوخ پیدا کرده است. اما واقعیت این است که ترکیه نیز مانند کشورهای دیگر اسلامی از شکاف و تضادهای حاصل از روند سکولاریزاسیون در امان نمانده است و «در زمینه فرهنگی و اجتماعی، غیر از معضلات قابل توجه در آموزش و پرورش، گسترش فرهنگ سودجویی و رشوه که منجر به فروپاشی بیشتر ارزش ها شده است نوعی تضاد فکری در طبقه تحصیل کرده به وجود آورده است. انتقاد نسبت به سیستم و عدم کارایی آن در اداره امور کشور به آن دسته از افراد با گرایش های مذهبی این فرصت را داده است که با تکیه به این موضوع در مقابل حکومت اعتراض خود را نشان دهند»<sup>۱</sup>

در ترکیه از اواخر دهه ۶۰ ایدئولوژی سیاسی با منشأ و اصالت مذهبی آغاز به رشد کرد و در دهه اخیر به اوج خود رسیده است تا جایی که به حاکمیت اسلام گرایان «اربعان» در سال گذشته انجامید. گروه های مختلف و متعددی در عرصه سیاسی در ترکیه فعالیت می کنند و طیف وسیعی از سنت گراها و مصنحت گرایان تا تندروها را در برمی گیرند. سنت گراها که مهم ترین نماینده آنها حزب «رفاه» می باشد. سکولاریزم را در اصل و جوهر رد می کند. اما دموکراسی را به عنوان زمینه ای برای تشکیل یک حکومت اسلامی می پذیرد. «اما اصلگرایان تندرو، دموکراسی را مانند دیگر رژیم های مصنوع بشر رد می کنند، از نظر آنان ترکیه امروز، به دارالحراب تعلق دارد و عرصه کفار است و همه مسلمانی که در آن جا زندگی می کنند در بند و بردگی هستند، ادعای حاکمیت ملت کفر است و بنابراین تنها راه تشکیل و استقرار حکومت اسلامی نابودی رژیم سکولار موجود از طریق انقلاب اسلامی می باشد»<sup>۲</sup>

گروه اخیر بیشترین پاسخ را به انقلاب اسلامی ایران داده اند و در واقع انقلاب بیشترین تأثیر را روی اینها گذارده است. هدف اصلی اینان تشکیل حکومت اسلامی بر اساس شریعت مانند ایران است، تأثیر پذیری آنان از انقلاب ایران به حدی است که مخالفان معتقدند این گروه ها ارتباط سازمانی با ایرانی ها دارند و از سوی آنان حمایت می شوند.<sup>۳</sup> رهبر این گروه «کاپلان» می باشد که تا سال ۱۹۸۱ مفتی «آدانا» بوده است. وی پس از بازنشستگی به آلمان رفت و با گروه های ملی به همکاری پرداخت، اما بالاخره از این گروه گسست و اتحادیه انجمن ها و تجمعات اسلامی را دایر کرد. این گروه هواخواهان و طرفداران انقلاب اسلامی ایران هستند، مجله ماهنامه این گروه به نام «دعوت اسلامی» است «کلاپلان چاپلون» تحت تأثیر انقلاب اسلامی معتقد است. هرگونه تلاشی برای برپایی حکومت اسلامی از طریق فعالیت احزاب سیاسی

۱. نگاهی به تحولات داخلی ترکیه، نوشتن دفتر مطالعه وزارت امور خارجه، سال هفتم، مرداد ۱۳۷۲، ش ۷، ص ۱۱.

2. Ergun Özbuden, "Khomeinism: A Danger for Turkey". *The Iranian Revolution and Muslim World*, Sanfrancisco Press, 1990, P.242.

3. *Ibid*, P.243.

4. Cemalettin Kaplan.

در سیستم سیاسی غیراسلامی نادرست است.<sup>۱</sup> بنابراین در نظر وی حکومت اسلامی را تنها با انقلاب یا جهاد باید برقرار نمود.

به طور کلی آنچه انقلاب ایران را برای مسلمانان ترک برجسته می‌کرد طبیعت آن انقلاب بود،<sup>۲</sup> از آن رو که در تاریخ مدرن، انقلاب ایران بی سابقه بوده و در واقع این اولین مبارزه‌ای بود که تفکرات آن از منابع غربی نیامدند. این حادثه عدم کفایت اندیشه شرقی و غربی، مارکسیست و لیبرالیست را اثبات نمود و مهم‌تر از همه این که به شکل دیگری از استعمار نیانجامید، بلکه مبارزه‌ای بود علیه امپریالیسم و همکاران محنی‌اش. بنابراین طبیعت ضدامپریالیستی انقلاب ایران یکی از مهم‌ترین دلایل تمایل و گرایش جنبش‌های اسلامی از جمله در ترکیه به آن بود. یکی دیگر از دلایل توجه به انقلاب ایران، نمایش انقلابیگری اسلام است. انقلاب ایران بیش از هر حادثه دیگری اثبات نمود که دین اسلام توانایی بسیج مردم را دارد. در زمانی که کشورهای جهان سوم برای رهایی و استقلال به اصول انقلابی مارکسیسم تمسک جسته و عملاً توفیقی هم حاصل نکرده بودند به ناگاه انقلاب اسلامی ایران، توجه مسلمین را به آموزه‌های انقلابی اسلامی جلب نمود. سومین ویژگی مهم انقلاب اسلامی ایران تأکید بر اهمیت تشکیل و استقرار حکومت اسلامی بود. ایران تنها نمونه و مثال جامعه واقعی اسلام از زمان دوره باشکوه اسلام در صدر اسلام بود. یکی از مهم‌ترین مسائلی که مسلمانان ترک هوادار امام خمینی لره<sup>۳</sup> و انقلاب ایران با آن مواجه بودند، تفاوت میان شیعه و سنی بود که اینان سعی می‌کردند این تفاوت را نادیده انگاشته و بی اهمیت جلوه دهند. آنها استدلال می‌کردند که میان شیعه جعفری و مذهب سنی اختلافی اساسی وجود ندارد، ناآگاهی و اختلاف تاریخی دو کشور که با حاکمیت سکولاریست‌ها در ترکیه تقویت شده به این امید که ایران را منزوی کرده و از همکاری و همراهی ملت مسلمان ترک با آن جلوگیری کنند. موجب سوء تفاهم شده است، بنابراین مسلمانان باید از رژیم اسلامی ایران که جهاد اشکاری را با دولت‌های غربی و حکومت‌های دست‌نشانده آنها آغاز کرده، حمایت کنند.

جذابیت‌های مختلفی که انقلاب اسلامی ایران برای مسلمانان ترک و گروه‌های اسلامی داشت، تأثیری انکار نکردنی بر فعالیت این گروه‌ها در دهه ۸۰ گذارد و علی‌رغم اختناق نسبی حاکم بر کشور در این دهه به واسطه کودتای نظامی و ممنوعیت فعالیت احزاب کارگری، فعالیت گروه‌های اسلامی رشد و گسترش یافت. دو عامل مهم دیگر<sup>۳</sup> به توسعه روند فعالیت گروه‌های اسلام طلب یاری رساند یکی تقویت گروه‌های اسلامی تحت حاکمیت «تورگوت اوزال» و درک این مسئله توسط نخبگان دولتی و نظامی که مفهوم جامعه اسلامی به طور ذاتی، مفهومی است که از آنارشی و ریختن مردم به خیابان‌ها جلوگیری می‌کند و نوعی همگرایی میان مردم به وجود می‌آورد. در این دوره از ۱۹۸۰ به بعد نوعی ایدئولوژی دولتی به وجود آمد که در تلاش به رسیدن سنتزی میان اسلام و کمالیسم بود. سنتز اسلام و کمالیسم ایدئولوژی کمالیستی و ترکی را در می‌کرد و در صدد امتزاج بین اسلام و ناسیونالیسم بود، دولت ترکیه پس از بحران نفت در ۱۹۷۳، نیاز به تغییرات اساسی را در سیاست داخلی و خارجی احساس نمود. دولت ناگزیر بود که احتیاجات نفتی خود را از کشورهای اسلامی دارنده نفت تأمین نماید و بنابراین می‌باید ابتدا روابط سیاسی و فرهنگی خود را با

1. Ibid. P. 244.

۲. تلخیص از:

Binnaz Toprak, The Reception of "The Iranian Revolution by the Muslims Press in Turkey". *Iranian Revolution and Muslim World*. San Francisco Press, 1990. PP. 252, 3.

3. Ibid. P. 252.

اسرائیل تعدیل و در واقع کاهش دهد. به تدریج ترکیه عضو فعال کنفرانس های اسلامی گردید و کشورهای خاورمیانه بازار مصرفی مناسبی برای کالاهای ترکیه گردید. این تغییرات در سیاست خارجی و نیز داخلی دولت زمینه را برای رشد و گسترش فعالیت گروه های اسلامی که در نتیجه انقلاب ایران برانگیخته شده بودند، فراهم کرد. «برای اولین بار در تاریخ جمهوری، گفتمان اسلامی یک بدیل قدرتمند برای اندیشه سکولار شده بود. گروه های اسلامی جدید تفاوت های اساسی با گروه های سلف شان داشتند، در گذشته جنبش های اسلامی محدود به گروه های حاشیه ای بودند. مردمی که در حاشیه مراکز اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قدرت بودند، حالا در زمره نخبگان هستند و ارتباطات وسیعی با گروه های اسلامی خارج از ترکیه دارند. بنابراین آنها دیگر بیش از یک پدیده محلی صرف هستند.»<sup>۱</sup> آنها در قالب حزب سیاسی فعالیت می کنند و حق شرکت در انتخابات پارلمان را دارند در سال ۱۹۸۷، توانستند ۷۱٪ آرا را به دست آورده و به تدریج حتی حکومت را هم به دست بیاورند. نخست وزیر اربکان اوج فعالیت و قدرت گروه های اسلامی هر چند که دولت مستعجل بود و دیری نپایید، اما اعتراض های آنها به برنامه ها و فیلم های تلویزیونی همواره کارساز بوده و آنها را صاحب کانال تلویزیونی کرده که برنامه هایی متناسب با شئون اسلامی از جمله فیلم های تولید جمهوری اسلامی ایران را پخش می کند.

#### ب- الجزایر

جنبش احیاء طلبی و به اصطلاح اخیر اصول گرایی اسلامی در الجزایر در اواخر دهه ۸۰ پس از لیبرالیزاسیون در قانون اساسی کشور در ۱۹۸۹ آغاز شد، به واقع آغاز یک پلورالیسم سیاسی به جنبش اسلامی اجازه داد که به شکل رسمی اظهار موجودیت نماید. کشور الجزایر از بسیاری جهات با مسائل دوره شاه ایران مواجه بوده است. آگاه شدن و سیاسی شدن جوانان، توقف تحرک اجتماعی، نومیدی و بدبینی نسبت به برنامه های دولت... عناصر سکولار حکومت و رهبران ارتش که از جبهه آزادیبخش ملی برخاسته بودند، طی چندین سال گذشته با پیگیری برنامه های سوسیالیستی و سکولار عرصه را بر عناصر مذهبی تنگ کرده و افراد سیاسی سنتی را به بهانه مرتجع بودن کنار زده و حیف و میل بیت المال و شکست برنامه های اقتصادی و عمرانی زمینه های نارضایتی عمومی را فراهم ساخته بودند.<sup>۲</sup> در پی ظهور برخی آزادی های در عرصه سیاسی مخالفان و مبارزان اسلامی در قالب تجمعات مختلف فعالیت های خود را پی گرفتند. این سازمان ها عبارتند از: **جبهه نجات ملی**؛ این گروه در سال ۱۹۸۹ در عرصه سیاسی الجزایر پا به عرصه وجود گذاشت و نشان داد که از توانایی زیادی برای بسیج مردم الجزایر برخوردار است به طوری که در ژوئن ۱۹۹۰ توانست کنترل شوراهای خلق را در ۳۲ ولایت (استان) از ۴۸ ولایت الجزایر به دست گیرد. در رفتارندومی که برگزار شد، جبهه نجات ملی موفق شد ۳۳/۷۳ درصد کل آرا را به دست گیرد، حال آن که جبهه آزادیبخش ملی فقط توانست ۱۷.۴۹ درصد آرا را به دست آورد، جبهه نجات ملی از ارزش های لیبرالی مانند دموکراسی و خصوصی سازی در اقتصاد حمایت می کند اما به مانند حماس و جنبش مقاومت از اصلاح جامعه الجزایر بر اساس قوانین اسلامی طرفداری می کند. جبهه نجات ملی نسبت به سایر گروه های اسلامی تمایلات تدریجانه تر داشته و نیز پایگاه وسیع مردمی دارد. **حماس** دیگر گروه مبارز در الجزایر می باشد که میانه روتر

۱. Ibid. P.252.

۲. تحولات اخیر الجزایر: قتل محمد بوضیاف و آینده مهم کشور، بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین انسی امور خارجه، سال هفتم، مرداد ۱۳۷۲ ش ۷۹ ص ۷.

از جبهه نجات ملی و تقریباً مانند اخوان المسلمین مصر عمل می‌کند. این گروه در دسامبر ۱۹۹۰ شکل گرفته است. جنبش احیای اسلامی نیز که در ۱۹۹۰ شکل گرفته است به مانند حماس عمل می‌کند و تمایل دارد که در چارچوب سیستم سیاسی و در چارچوب قانون عمل نماید. مسئله مهم درباره نفوذ و تأثیر انقلاب ایران در مورد جنبش‌های اسلامی الجزایر این است که این جنبش‌ها غالباً از این که اعلام کنند که اصلاً شباهتی به جنبش اسلامی ایران ندارند، ابایی ندارند و شاید به همین دلیل بود که هنگامی که جبهه نجات ملی در انتخابات رأی اکثریت را آورد و انتخابات منحل شد، «رابین رایت» یکی از محققان امریکایی اعلام کرد که اسلام الجزایر با ایران تفاوت دارد و امریکا می‌باید از مبارزان دمکرات الجزایر حمایت نماید. این مسئله شایان توجه است که مسلمانان الجزایری در جوی کاملاً ملی رشد کرده و آنان بیش از آن که مسائل انترناسیونالیستی اسلامی را مورد توجه قرار دهند، مسائل ملی و اسلامی خود را تعقیب می‌نمایند، همچنان که «اولیور روث»<sup>۱</sup> خاطر نشان می‌سازد یکی دیگر از تفاوت‌های جنبش اسلامی الجزایر با ایران و شاید عدم تأثیرپذیری جدی الجزایری‌ها از ایران، حمایت مالی و پولی<sup>۲</sup> عربستان از این جنبش‌هاست. عربستان که بر سر رهبری جهان اسلام با ایران رقابت دارد، اسلامی بی‌خطر را تبلیغ می‌کند و در این راه دلارهای زیادی را نیز صرف می‌کند. دلارهای عربستان در موضع‌گیری جبهه نجات ملی در بحران خلیج فارس تأثیری بسزا داشت، جبهه نجات ملی به عنوان سازمانی که پایگاه مردمی وسیعی داشت علی‌رغم حمایت آشکارای مردم از صدام حسین، ناگزیر بود که تجاوز صدام به کویت را محکوم کند، اگرچه در طول بحران مجبور شد به خاطر احساسات صدام دوستانه مردم، موضع خود را از راه محکوم کردن حضور امپریالیسم در منطقه و تلاش برای یافتن راه حل عربی به نفع بعث عراق تغییر دهد. تزلزل و ضعف جبهه نجات ملی در موضع‌گیری در بحران خلیج فارس و انتخاب حمایت از بعث به دلیل افکار عمومی مرحله‌ای در راه الجزایری ساختن جبهه بود و دکتترین سطحی و کم‌عمق جنبش و همچنین انعطاف‌پذیری سیاسی‌اش را... نشان داد، در واقع بحران خلیج فارس سنت ناسیونالیستی جبهه آزادیبخش ملی را احیا کرد.

جنگ خلیج فارس تناقضات جنبش‌های اسلامی فعال را نشان داد، دز واقع تأثیر انقلاب ایران بر روی فعالان سیاسی سایر کشورهای اسلامی به میزان زیادی به زمینه‌های مساعد و اشتراکاتی که میان دو جنبش وجود دارد برمی‌گردد. انقلاب اسلامی ایران، گو این که اثر الهام بخش عمیق و زیادی بر روی جنبش‌های اسلامی گذاشته و برای آنها چشم‌انداز امیدی فراهم کرده که یک گروه اسلامی می‌تواند با پایداری و مبارزه، حکومتی اسلامی را تشکیل داده و قدرت را به دست گیرد، اما به تدریج مسائل و متغیرهای واقعی تر هر دو را به انتخاب راه خود می‌کشاند. اصلگرایان «فعالان اسلامی» داخل چارچوبی از امکانات، محدودیت‌ها و ضروریات عمل می‌کنند که از کشوری به کشور دیگر میزان و نوع آن فرق می‌کند. بنابراین به قول «مارتین مارتی»، جوامع ملی نه برحسب مرزهای ملی و نه اعتبارنامه‌ها... متمایز شده بلکه شیوه‌ای که آنها برای زندگی با توجه به شرایطشان برمی‌گزینند آنها را از هم جدا می‌کند. گوناگونی شیوه‌ها و تصورات از دنیا بالطبع موجب گونه‌گونی جوامع نیز می‌باشد.<sup>۳</sup> آرزوی رفتار جمهوری اسلامی ایران خود بهترین مثال در این باره می‌باشد.

دو دوره از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قابل تشخیص می‌باشد:

۱. اولیور روث - بنیادگرایی اسلامی کونا کونی و تحول. ترجمه فریبا عادلخواه، گیان، خرداد و تیر ۱۳۷۴، سال پنجم، شماره ۲۵، ص ۴۳.  
2. Hugh Roberts, Algerian Islamism, Islam Fundamentalism and the Gulf Crisis, Chicago university Press, 1997, p. 141.

۳. براهویی، پیشین، ص ۲۳.

۱- دوره اول، از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان یافتن جنگ که تقریباً یک دهه به طول انجامید.

۲- دوره دوم که با ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی آغاز گردید.

پس از پیروزی انقلاب و استقرار یک حکومت اسلامی، صدور انقلاب و طبیعتاً حمایت از جنبش‌های آزادیبخش و اسلامی اولویت مهم و اول سیاست‌گزاران بود، حمایت از سازمان آزادیبخش فلسطین و سایر گروه‌های مبارز فلسطینی، اخوان و الجهاد در مصر، جنبش شیعه در عراق، لبنان و... در صدر برنامه‌های سیاست خارجی بود. حمایت ایران از تحركات و فعالیتهای گروه‌های مبارز مسلمان در داخل کشورها که موجب به هم ریختن نظم آن کشورها گردیده و رشد گروه‌های اپوزیسیون- تا حدود زیادی- موجودیت رژیم‌های ارتجاعی مانند عربستان، اردن و... را به خطر می‌انداخت، خود واکنش شدیدی را برانگیخت. چندان که در جنگ ایران و عراق، کشورهای عرب منطقه در کمک به صدام حسین، هدفی جز براندازی جمهوری اسلامی که عامل تهدیدکننده برای رژیم‌های عرب بود نداشتند. دوره دوم سیاست خارجی ایران که با قبول قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ آغاز شد. دوره‌ای با خصیصه «مصلحت‌گرایی» است. خسارات و صدمات ناشی از جنگ هشت ساله با عراق و بازسازی این خسارات و ترمیم اقتصاد از هم پاشیده، رهبران جمهوری اسلامی را ناگزیر از توجه به سطح داخلی کرد. در نتیجه حمایت از جنبش‌های اسلامی کاهش یافت و جستجوی همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت. ایران طی بحران خلیج فارس در حالی که برخی محافل داخلی از آیت‌الله خامنه‌ای درخواست می‌کردند که به نفع عراق اعلام جهاد کند، موضعی واقع‌بینانه و بی‌طرفانه به خود گرفت و تهاجم عراق به کویت و نیز حضور امریکا در منطقه را به طور توأمان محکوم نمود. جمهوری اسلامی ایران هم هنگامی که جبهه نجات ملی در الجزایر برای تحقق نتایج انتخابات مبارزه می‌کرد به صراحت اعلام کرد که ما به عنوان یک ملت مسلمان آرزو داریم که یک حکومت اسلامی در الجزایر روی کار بیاید اما این به معنی مداخله ما در امور داخلی آن کشور نیست.<sup>۱</sup> همچنانکه سخنگویان جبهه نجات ملی در هر مجالی که فراهم آید از گفتن این که ما با ایران هیچ گونه شباهتی نداریم مضایقه نکردند.

در واقع دو عامل تأثیر انقلاب اسلامی را بر جنبش‌های اسلامی محدود و نیز تقویت می‌کند: یکی ناسیونالیسم است و دیگری تمایزات فرقه‌ای (تفاوت میان شیعه و سنی). در حالی که ایران بیشترین تأثیر مثبت را بر روی جنبش‌های شیعی عراق و لبنان داشته است، گروه‌های مبارز سنی به تدریج باروشن ساختن مرزهای افتراق دو مذهب شیعه و سنی بر تفکیک و جدایی خود از مدل ایرانی تأکید می‌کنند. حزب رفاه نماینده اصلاح طلبان اسلامی ترکیه، شیعیگری انقلاب ایران را مظهر و تجسم ناسیونالیسم ایران دانسته و آن را پایه‌ای برای داعیه‌های ناسیونالیستی ایران که از زمان صفویه آغاز شده می‌دانند.<sup>۲</sup>

### ج- پاکستان

در پاکستان گروه‌های متعدد مبارز اسلامی وجود دارند. این گروه‌ها عبارتند از جماعت اسلامی<sup>۳</sup> که در واقع یکی از باسابقه‌ترین گروه‌های مبارز اسلامی پس از اخوان المسلمین مصر است که توسط ابوالعلاء

1. Said Amir Arjomand, *Fundamentalist Reaction In Iran. Islamic Fundameitalism and Gulf Crisis*, University of Chicago Press, 1991, p. 66.

2. Toprak, Op. cit. p.257.

۳. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۴).

مودودی در سال ۱۹۴۱ تأسیس شده است و با بسیاری از جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام مانند جهاد در افغانستان، گروه‌های فعال اسلامی در کشمیر ارتباط دارد. **جماعت علمای پاکستان** دیگر سازمان اسلامی که به وسیله مولانا شاه احمد نورانی هدایت می‌شود و در پنجاب نفوذ زیادی دارد. **جمعیت علمای اسلامی و جمعیت علمای حدیث** دیگر سازمان‌های سنی فعال در عرصه سیاست پاکستان هستند. **جنبش تقویت فقه جعفری** که ده سال قبل سازماندهی شده و تنها سازمان شیعی در پاکستان می‌باشد که از حقوق اقلیت شیعه در مقابل سنیان دفاع می‌کند.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امیدواری‌های زیادی را در پاکستان به ویژه برای گروه‌هایی مانند جماعت اسلامی که رهبرانش پیشروان استقلال پاکستان از هند و بنابراین مؤسسان پاکستان بودند ایجاد کرد. اما روابطی که این گروه‌ها با گروه‌های اسلامی مانند اخوان المسلمین داشتند و نیز تعلقات فرقه‌ای و نیز دلارهای عربستان بیشتر از انقلاب شیعی ایران بر آنها تأثیر و نفوذ داشت. گروه‌های مبارز پاکستان از طرف عربستان حمایت مانی می‌شوند. از طرف دیگر طی جنگ ایران و عراق، صدام حسین تلاش‌های زیادی در جهت جلب دوستی این گروه‌ها نمود و این امر بی‌تأثیر در موضعگیری گروه‌های مبارز اسلامی در بحران خلیج فارس نبود. این امر تناقض آشکاری را در رفتار این مبارزان ایجاد کرد، در حالی که این گروه‌ها از سوی عربستان حمایت مانی می‌شوند و طی جنگ ایران و عراق رفتار عراق دوستانه‌ای را از خود نشان دادند. در جنگ عراق با کویت و نیز عربستان، به ناگاه صدام را تبدیل به قهرمان اسلامی کردند.<sup>۱</sup> نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است این است که این گروه‌ها بخشی از دستگاه دولت محسوب می‌شوند و مسائل و مشکلات کشور خودشان را در تمایلات و موضعگیری‌هایشان نشان می‌دهد. مخالفت امریکا با پاکستان در مورد تولید سلاح‌های هسته‌ای و نیز جنگ کشمیر، خود عاملی شد تا این گروه‌ها در زمان بحران خلیج فارس راه موافقت با صدام را در پیش گیرند. اما همان قدر که گروه‌های سنی از هم‌تایان سنی خود تأثیر پذیرفتند، خواه به علت همدلی‌های فرقه‌ای یا به دلیل حمایت‌های مادی، ابوزیسیون شیعی پاکستان دنباله رو سیاست ایران بوده و نیز خواهان روابط نزدیک‌تر با جمهوری اسلامی ایران است.

بحران خلیج فارس، بحران روحی را هم در میان مبارزان اسلامی ایجاد کرد، صدام حسین طی بحران با ژست‌های اسلامی، سعی در تحریک احساسات اسلام‌گرایانه جهان اسلام داشت و برای این کار ابزار لازم را هم در اختیار داشت. رویارویی وی با ایالات متحده، کشوری که جمله مبارزان اسلامی آن را دشمن فرهنگی و سیاسی و نیز اقتصادی خود می‌دانند، زمینه لازم را برای مظلوم‌نمایی وی فراهم کرد. اما در واقع مخدوش بودن چهره اسلام و کفر در جنگ خلیج فارس از همان ابتدا آشکار بود. نه عربستان که در کنار ایالات متحده قرار داشت، کافر بود و نه صدام تجسم اسلام. مبارزان اسلامی تحت تأثیر احساسات برانگیخته شده عمل کردند. اما وقتی صدام از جنگ با ایالات متحده فارغ شد و تفنگ‌ها را به سوی شیعیان و کردهای عراق نشانه رفت، بحران نمودار شد. فعالان اسلامی که خود با دولت‌های مستبد درگیر بودند - و به نوعی همدلی با شیعیان و اکراد عراق داشتند - از کسی حمایت کرده بودند که تفاوتی با حاکمان مستبد آنها نداشت. این بحران باعث تشدید فعالیت آنها در سراسر جهان اسلام گردید و دولت‌های اسلامی ناگزیر از حرکت به سوی لیبرالیزاسیون نسبی گردیدند تا بدین وسیله از شدت فعالیت تندروانه گروه‌های اسلامی

۱. برای اطلاع بیشتر را که به:

Ahmad Mumtaz *Islamic Fundamentalism In Pakistan. Islamic Fundamentalism and Gulf Crisis*. University of Chicago Press, 1990, pp 173/180.

بکاهند. این سیاست مفید واقع شده است و فعالان اسلامی پاره‌ای از کشورها را راضی کرده است تا پس از سال‌ها مبارزه به راهی که پیش روی آنها قرار داده شده، قدم بگذارند. «مجال شرکت در سیاست و به دست آوردن سهمی در قدرت. آنان در استفاده از ابزارهای سیاسی در دسترس شان تردیدی به خود راه ندادند، کنترل بر مقامات وزارتی، به ویژه آن دسته که با امور مذهبی و آموزشی سر و کار دارند به آنها امکان نفوذ مستقیم بر جوانان و نهادهای مذهبی را می‌دهد. این نفوذ در برانگیختن حمایت مردم از برنامه‌های شان بسیار اهمیت دارد. مبارزان اسلامی، پارلمان را ابزاری مفید می‌بینند که بدان وسیله می‌توانند صدای شان را بلندتر و فشارشان را بر حکومت‌ها شدیدتر کنند»<sup>۱</sup>. در نهایت می‌توان در ارزیابی نهایی چنین برداشت کرد که تأثیر عاطفی و الهام بخشی که پیروزی انقلاب اسلامی بر فعالان اسلامی گذاشته است، آنان را در راه تشدید فعالیت‌های خود تشجیع کرده و افق‌های جدیدی را پیش روی آنها گشاده است. البته باید بر این نکته اذعان داشت که این تأثیر بر کشورهای مختلف به میزان‌های متفاوتی بوده است.

### ۳- کتاب‌شناسی، تأثیرات انقلاب اسلامی

1- Antonie Abraham. Khomeini and the Islamic Funda- Mentalists: Contributions of Islamic Sciences to Modern Civilization. (Wyndham Hall press, 1989).

آنتونی آبراهام. امام خمینی (ره) و بنیادگرایان اسلامی: سهم علوم اسلامی در تمدن جدید. (انتشارات ویندهام هال، ۱۹۸۹).

2- Shahrugh Akhavi. Shi'i Social Thought and praxis in Recent Iranian History, Islam in the Contemporary World. (Notre Dame, Indiana: Cross Roads Books , 1980).

تفکر اجتماعی شیعی و عملگرایی در تاریخ ایران معاصر، اسلام در جهان معاصر.

3- David Albert. Tell the American People: Perspective on the Iranian Revolution. (Philadelphia, Movement For a New Society, 1980).

به مردم امریکا بگویید: دیدگاهی در باب انقلاب ایران.

4- Farhad Fateri. The Politics Of the Iranian Exile in Southern California: A Case Study of Political Activists.(California State University, Fullerton, 1987).

سیاست ایرانیان تبعیدی در جنوب کالیفرنیا: مطالعه موردی درباره فعالان سیاسی.

5- Michael Ficher. Debating Muslims: Cultural Dialogues in Postmodernity and Tradition.(University of Wisconsin press. 1991).

مسلمانان در حال بحث: گفتگوهای فرهنگی درباره بعد از تجددگرایی و سنت.

6- Nikki Keddie. Iran and the Muslim World : Resistance and Revolution. 1995.

ایران و جهان مسلمانان: ایستادگی و انقلاب.

۱. به نقل از براهویی، پیشین، ص ۲۳۱.

- 7- David Menashri. *The Iranian Revolution and the Muslim World*. (westview Press, 1990).  
انقلاب ایران و جهان اسلام.
- 8- Crig Nation. *Soviet Conceptualizations of the Iranian Revolution*. (University of pittsburgh, 1985).  
مفهوم سازی شوروی از انقلاب ایران.
- 9- Rezagholi Nezam Mafi, *Islam and Modern Internatioanl Relations: The Contribution and Influence of shia (Iran)*. (The American University , 1988).  
اسلام و روابط بین المللی جدید: سهم و نفوذ شیعه (ایران).
- 10- Tames phillips. *The Iranian Revolution: Long- term Implications*.( Washington: Heritage Foundation, 1979).  
انقلاب ایران: تأثیرات بلندمدت.
- 11- Barry Rosen. *Iran Since the Revolution: Internal Dynamis Regional Conflict, and the Superpowers*. (Brooklyn College Press, 1985).  
ایران از دوران انقلاب. پویایی درونی، منازعه منطقه‌ای و ابر قدرت‌ها.
- 12- Marvin Zonis. *Khomeini, The Islamic Republic Of Iran, and the Arab World*. (Cambridge / Mass: Center for Middle Eastern Studies, Harvard University, 1987).  
امام خمینی، جمهوری اسلامی ایران و جهان غرب.
- Mohga Machhour et Alain Roussillon.
- 13- *La Ré volution Iranienne dans la presse egyptienne*. (La Carie: Centre d' Etudes et de Documentation Economigves Juridiques et Sociales, 1982).  
انقلاب ایران در مطبوعات مصر.
- 14- John Bunzl. *Die Auswirkungen Der Iranischen Revolution aufdie Lage im Nahen Osten*.(Laxenburg: Osterreichisches Institut Furinternationale Politik, 1979).  
تأثیر انقلاب ایران بر موقعیت آسیای میانه.
- 15- Ahmad Mahrads. *Zur Situation Iranischer Intellektueller: Beobach Tungen im Exil und in Iran*.(Frankfurt /M.P. Lang, 1985).  
موقعیت روشنفکران ایرانی، مشاهدات در تبعید و در ایران.
- ۱۶- راشد الغووشی، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام، مترجم سید هادی خسروشاهی (تهران: اطلاعات، سال ۱۳۷۲).
- ۱۷- صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی. (نشر آثار).
- ۱۸- کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا، (تهران: اطلاعات، سال ۱۳۷۲).
- ۱۹- امیرزمانی، محسن. استراتژی جمهوری اسلامی ایران در لبنان. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه آزاد).
- ۲۰- نظرآهاری، رضا. بررسی فعالیت جمهوری اسلامی ایران در سازمان کنفرانس اسلامی، (پایان نامه

- کارشناسی ارشد- دانشگاه آزاد اسلامی).
- ۲۱- مرآمی، جلال. پژواک انقلاب اسلامی ایران در شهر معاصر عرب. (شام). (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه تربیت مدرس).
- ۲۲- فرج اللهی، قاسم. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش توحید اسلامی در لبنان طرابلس. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه امام صادق (ع)).
- ۲۳- شمس‌یر، محمود. بازتاب انقلاب اسلامی ایران در مطبوعات غربی شهریور سال ۱۳۵۷ تا بهمن سال ۱۳۵۷. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۸).
- ۲۴- امیدزمانی، محسن. استراتژی جمهوری اسلامی ایران در لبنان سال‌های (۱۳۵۹-۱۳۶۹). (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه آزاد اسلامی سال ۱۳۶۹).
- ۲۵- خامه‌یار، عباس. تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه تهران سال ۱۳۷۱).
- ۲۶- سید حسین موسوی. روابط ترکیه و ایران پس از انقلاب اسلامی. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه آزاد اسلامی سال ۱۳۷۳).
- ۲۷- صادقی، احمد. جایگاه استراتژیک ایران در سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ سرد. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۳).
- ۲۸- کدیور، جمیله. تحولات انقلابی در داخل ایران و اثر آن در موضع‌گیری‌های آمریکا نسبت به ایران. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۲).
- ۲۹- ترابی، مجید. تأثیر اندیشه‌های حضرت امام در روابط بین‌الملل. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه).
- ۳۰- صبوری، محمدرضا. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در جهان سوم. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشکده روابط بین‌الملل).
- ۳۱- خادمی، رضا. روابط سیاسی ایران و سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشکده روابط بین‌الملل).
- ۳۲- روشنایی صدرآبادی، محمدعلی. انقلاب اسلامی ایران و روند اسلام‌گرایی در مصر. (پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشکده روابط بین‌الملل).

الف - فارسی

- ۱- براهویی، نرجس خاتون. اصول گرای اسلامی ایرانی و تأثیرات منطقه‌ای آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۷۳.
- ۲- کدیور، جمیه. پشت پرده صلح تهران. اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ۳- کاسبتز، جوزف. ناآرامی شیعیان در خلیج فارس، تهران: پیشگام، ۱۳۶۸.
- ۴- ویلی، جویس ان. نهضت اسلامی شیعیان عراق. ترجمه مهوش غلامی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ۵- نگاهی به تحولات دوحی ترکیه. بولتن دفتر مضامعه وزارت امور خارجه، سال هفتم، مرداد ۱۳۷۲، ش ۷.
- ۶- تحولات اخیر الجزایر. قتل محمد بوضیاف و آینده میهم کشور. بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، سال هفتم، مرداد ۱۳۷۲، ش ۷، ص ۷۹.
- ۷- اولیور روا - بنیادگرایی اسلامی گونا گونی و تحول. ترجمه فریبا عادلخواه، گیان، خرداد و تیر ۱۳۷۴، سال پنجم، شماره ۲۵.
- ۸- عنایت، حمید. اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهام‌الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۴.

ب - انگلیسی

- 9- Bruce Lawrence. **Fundamentalism: Defenders of God**, London. I.B Tauris. 1990.
- 10- David Menashri. **Khomeinis Vision. The Iranian Revolution and the Muslim World**. San Fransco Press, 1989. P.540 P.540.
- 11- Rudi Mattee, the Egyption Opposition on the Iranian Revolution, **Shiism and Social Protest**, London. Yale University Press.
- 12- Jhon Esposito. **Lessons from Iran, Islamic transition: Muslims Perspectives**, (NewYork & Oxford university Press. 1982).
- 13- Elie Rekhess. The Iranian Impact on the Islamic Jihad Movement in the Gaza Strip. **the Iranian Revolution and the Muslim World**, Sanfrancisco. Westwiew Press. 1990.
- 14- Jacob Goldberg. **"Saudi Arabia and the Iranian Revolution"** , and **Muslim World** . sanfrancisco Press. 1990.
- 15- Amazia Baram. "The Impact of Khomeinis Revolution on the Radical Shii Movement of Iraq", in the **Iranian Revolution and The Muslim World**.
- 16- Ammesty International News Release, London. 10 March and 12 June 1980.
- 17- A- Shiism - and -Fouad Ajami. **The Vanished Imam; Musa-Al Sadr and the Shia of Lebanon**. (Ithaca, NewYork: University Cornell Press). B- Juan R. Cole and Nikki R. Keddie. **Shiism-and Social Protest** .(New Haven, Yale university Press 1986).
- 18- Martin Kramer. "Redeeming Jerusalem: the Pan-Islamic Premise of Hizbollah", in **The Iranian Revolution and The Muslim World**.
- 19- Chandra Muzaffar. **Islamic Resurgence in Malaysia**. (Penerbit: Fajrkakti. 1990).
- 20- Judith Nagata. **The Reflowering of Malaysian Islam**, (Vancouver. University of British Columbia Press. 1984).
- 21- Fred. Von der Mehden, **Religion and Modernization in Southeast Asia**. (NY: Syracuse University Press, 1986).
- 22- **Islam and Stateness in the Modern Sudan**. (Montreal: McGill University Center for Developing Area Studies. 1983).
- 23- Shirin Akiner. **Islamic Peoples of the Soviet Union**, (NewYork: Paul Nethuen. 1986).
- 24- Alexandre Benningsen. **Threat to the Soviet State**, (NewYork: St. Martins Press Inc. 1983).
- 25- Wimbush S.Enders. **Muslim National Communism in the Soviet Union**; (University of Chicago Press. 1985).
- 26- Shaukat. Burkhanor. **Soviet Power and Islam**. (Moscow: Novosti Press Agency Publishing House. 1984).
- 27- Martha Olcott. **The Kazakhs**. (Stanford: Hoover Institution Press. 1987).
- 28- Ergun Özbuden. "Khomeinism: A Danger for Turkey", **The Iranian Revolution and Muslim World**, Sanfrancisco Press. 1990. P.242.
- 29- Binnaz Toprak. The Reception of "The Iranian Revolution by the Muslims Press in Turkey". **Iranian Revolution and Muslim World**, San Fransico Press. 1990.
- 30- Hugh Roberts. Algerian Islamism. **Islam Fundamentalism and the Gulf Crisis**, Chicago university Press. 1997.
- 31- Said Amir Arjomand. Fundamentalist Reaction In Iran. **Islamic Fundameitalism and Gulf Crisis**, University of Chicago Press. 1991.
- 32- Ahmad Mumtaj Islamic Fundamentalism In Pakistan, **Islamic Fundamentalism and Gulf Crisis**. University of Chicago Press. 1990.